

«زن و مطالعات خانواده»

سال یازدهم - شماره چهل و چهارم - تابستان ۱۳۹۸

ص: ۷-۳۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۱

بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر طلاق عاطفی در بین خانواده‌های کرمانی

(مطالعه موردی مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره در شهر کرمان نیمسال دوم ۹۶-۹۵)

مرتضی ذره پور^۱

زهرا بنی فاطمه شهرباکی^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی طلاق عاطفی و عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در آن، در شهر کرمان پرداخته است. روش تحقیق مطالعه میدانی می‌باشد به این معنا که محقق به طور عملی درمیدان تحقیق حاضر می‌شود و اقدام به جمع‌آوری اطلاعات می‌کند و تکنیک گردآوری داده‌ها، تکنیک پیمایشی بوده که با ابزار اصلی، پرسشنامه که؛ از نوع محقق ساخته بوده، گردآوری شدند و از ابزار مکمل مصاحبه نیز استفاده شده که؛ جهت مصاحبه با صاحب نظران و تایید روایی پرسشنامه بوده است. جامعه آماری (N) بطور خاص، شامل زوجینی می‌شود که با یکدیگر دچار اختلالات عاطفی و روانی شده و به منظور طلاق نزد مشاوران و نهادهای مشاوره مراجعه کرده اند که؛ تعداد دقیق آنها در طول سال ۱۳۹۵ نامشخص بوده، از این رو تعداد ۲۰۰ پرسشنامه طی سال ۱۳۹۵ به زوجینی که به مراکز مشاوره مراجعه کرده اند، اختصاص یافت. در این تحقیق تلاش شد از روش تصادفی خوشه‌ای به صورت چند مرحله‌ای استفاده شود به صورتی که؛ ابتدا شهر کرمان به عنوان خوشه‌ی اصلی انتخاب شد سپس در هر منطقه شهری یعنی هر زیر خوشه، یک مرکز مشاوره طلاق انتخاب شد و پرسشنامه‌ها بین آنها توزیع گردید. چارچوب نظری این پژوهش، تلفیقی از نظریه کارکردگرایی پارسونز و نظم خرد چلبی و مثلث عشق استنبرگ بوده است. فرض نظری، عوامل برونی و درونی بر استحکام و پیوند عاطفی خانواده تأثیرگذار بوده که؛ زمینه ساز طلاق عاطفی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که؛ متغیرهای وضعیت شغلی، نظم درون خانواده (توزیع قدرت و سرمایه اجتماعی) و دینداری زوجین، نحوه رابطه زوجین (عشق زوجین، تعهد زوجین و صمیمیت زوجین) بیشترین رابطه معنادار با میزان طلاق عاطفی را دارند.

واژگان کلیدی

طلاق عاطفی، کارکردگرایی، نظم درون خانواده، نحوه رابطه زوجین، دینداری زوجین

۱. استاد، گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران
۲. کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

مقدمه

"در بین تمامی نهادها و سازمانها و تاسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیت خاص و بسزا دارد و هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامتی کند، چنانچه از خانواده‌های سالم برخوردار نباشد. بی هیچ شبهه، هیچ یک از آسیبهای اجتماعی نیست که فارغ از تاثیر خانواده پدید آمده باشد. به بیان اتوکلاين برگ، فرزندپرورش بشر است، یعنی اوست که رسالت تمام نسلها را در خود دارد و هم اوست که کمیت و کیفیت نسل فردا را رقم می زند." (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۱). لذا با توجه به اهمیت خانواده و جایگاه ویژه ای که در هر جامعه به عهده دارد و کارکرد اجتناب ناپذیرش برای رفع نیازهای حیاتی و عاطفی انسان که ضرورت تام دارد ملزم براین شدیم تا عواملی را که سلامت خانواده را تحت الشعاع قرار می دهد را بررسی کنیم.

طلاق نه تنها یکی از مهمترین آسیبهای اجتماعی بلکه به عنوان واقعیت اجتماعی که در جوامع وجود دارد و "کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در اکثر مواقع این سیررطای میکند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آنها، بی میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری ها که ؛ در نهایت طلاق عاطفی و طلاق قانونی (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱، به نقل از باستانی، گلزاری و همکاران: ۱۳۹۰، ۲۴۳). ضمن اینکه آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست زیرا؛ در کنار آن آماری بزرگتر اما کشف نشده به طلاق عاطفی اختصاص دارد. شاید دو برابر آمار طلاق های قانونی را بتوانیم به طلاق های عاطفی اختصاص دهیم. یعنی به زندگی خاموش و خانواده های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می کنند ولی هیچگاه تقاضای طلاق نمی کنند. (بخارایی، ۱۳۸۶: ۴۶، به نقل از باستانی و گلزاری و همکاران: ۱۳۹۰: ۲۴۳). به نقل از باستانی و همکاران، در واقع برخی ازدواج ها که؛ با طلاق خاتمه نمی یابند به ازدواج های تو خالی تبدیل می شوند که فاقد عشق، مصاحبت و دوستی هستند و همسران فقط با جریان زندگی به پیش می روند و زمان را سپری می کنند (استیل و کید: ۱۳۸۸: ۲۶۰، به نقل از همان).

خانواده توخالی؛ خانواده ای است که اعضای آن به زندگی با یکدیگر ادامه می دهند ولی از روابط و کنش متقابل با یکدیگر و حمایت احساسی محروم هستند (گود: ۱۳۵۲: ۲۴۹، به نقل از همان).

به گفته محمدی در طلاق عاطفی، همسران زیر یک سقف زندگی می کنند در حالیکه ارتباطات بین آنها کاملاً قطع شده یا بدون میل و رضایت است. (محمدی، ۱۳۸۳: ۱۱۱، به نقل از همان).

و در نهایت به نقل از لعل زاده و همکاران، در طلاق عاطفی به علت نبود تعاملات مثبت با همسر، عدم تامین نیازهای عاطفی، نارضایتی جنسی، عدم جذابیت ظاهری، خیانت، مسائل مالی، بیماری های مزمن، بد رفتاری فیزیکی و... که خود منجر به بروز علائم افسردگی، اضطراب، احساس گناه ناامیدی، کناره گیری از فعالیت های اجتماعی، نگرش بدبینانه و مداوم درباره خود، همسر و آیندشان میگردد. (لعل زاده، اصغری ابراهیم آباد و همکاران: ۱۳۹۴: ۲).

و از آنجایی که؛ آمار رسمی در مورد طلاق عاطفی نیست و طلاق عاطفی در لایه های پنهان جامعه قرار گرفته، بر همین اساس پژوهشگر آمار رسمی طلاق، در کل کشور را از سال ۱۳۹۱-۱۳۹۵ دنبال نموده است چرا که؛ مراجعه کنندگان طلاق قانونی در ابتدا دچار طلاق عاطفی شده و بعد طلاق رسمی صورت گرفته که؛ به گفته صاحب نظران آمار طلاق عاطفی در

حال حاضر دو برابر طلاق رسمی می‌باشد و روز به روز بر تعداد آن افزوده می‌شود. لذا؛ آمار رسمی طلاق در کل کشور بر طبق سازمان ثبت احوال در سال ۹۱ به ۱۵۰ هزار ۳۲۴ مورد بوده و در سال ۹۲ به ۱۵۵ هزار ۳۶۹ مورد رسید. در سال ۹۳ به ۱۶۳ هزار ۵۶۹ مورد و سال ۹۴ به ۱۶۳ هزار و ۷۶۵ مورد عنوان شده که حاکی از افزایش طلاق بوده گر چه روند پرشتابی نبوده ولی؛ قابل تامل بوده است. در نه ماه سال ۱۳۹۵ روند طلاق سیر صعودی داشته است ۱۲۵ هزار ۶۶۷ در واقع نسبت ازدواج به طلاق ۳/۹ بوده، یعنی به ازای ۳/۹ ازدواج در کشور، یک طلاق به ثبت رسیده است و در استان کرمان سال ۱۳۹۵، ۲۱ هزار ۱۵۰ ازدواج صورت گرفته و ۳ هزار و ۸۵۵ طلاق که؛ نسبت ازدواج به طلاق ۵/۵ بوده است. به لحاظ اینکه؛ مرگ عواطف در ارتباط همسران منجر به طلاق عاطفی شده که؛ پیامدهای جبران‌ناپذیرش بر خانواده (همسران و به خصوص فرزندان) و بروز آثار منفی آن در جامعه است، لذا؛ به بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر طلاق عاطفی در شهر کرمان پرداخته چرا که افزایش میزان طلاق، در شهرهای بزرگ و مناطق پر درآمد ترسیر صعودی داشته و شهر کرمان هم به عنوان کلان شهر قلمرو مطالعاتی مناسبی در این راستا می‌باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

"طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را دربرداشته که هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد و هم به صورت پنهان ظاهر شود که در نتیجه آن، صرفاً ساختار بیرونی خانواده حفظ می‌شود ولی در واقع از درون تهی می‌باشد." (یزدانی، حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰) و طلاق عاطفی راشکل می‌دهد که؛ ناستواری خانواده را به همراه خواهد داشت. بنابراین طلاق عاطفی از مهمترین انواع طلاق‌ها است که؛ در هیچ کجا ثبت نمی‌رسد و نمود عینی ندارد در حالیکه در خیلی از خانواده‌ها وجود دارد و آسیب‌های روحی و روانی بسیاری را به دنبال دارد. جامعه‌شناسانی چون آگ برن ناید هارت، پارسونز و ساروخانی خانواده را گروه کوچکی می‌دانند که؛ صمیمیت و محبت و ویژگی اساسی و غیر قابل تفکیک آن است از این رو خانواده را مهمترین مکان برای اجتماعی کردن فرزندان می‌دانند و معتقدند هر گونه دگرگونی ساختاری در نهاد خانواده باعث از دست رفتن کارکردهای آن می‌شود. و طلاق عاطفی را هم می‌توان نوعی دگرگونی ساختاری برشمرد که؛ آسیب‌های اجتماعی بسیاری را به جا خواهد گذاشت. چرا که بسیاری از زوجین کنار هم زندگی می‌کنند ولی از درون هم خبری ندارند. قطع روابط عاطفی نتایج پنهان و ناگفته‌های بسیار دارد که؛ نباید آنها را دست کم گرفت. کما اینکه؛ "ظواهر امر حاکی بر این است امروزه خانواده‌ها همواره قادر نیستند اعضایشان را به سمت هدف خاصی سوق دهند و در حفظ و انسجام آن عمل نمایند." (روزن باوم، ۱۳۶۷).

"پل بوهانان مردم‌شناسی است که عمرش را صرف مطالعه ازدواج و طلاق کرده و طلاق عاطفی را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباطی سالم و صحیح بین زن و شوهر است که؛ نه تنها ارتباط همسران دچار اختلال نموده بلکه؛ پیامدهای جبران‌ناپذیری بر فرزندان نیز داشته و بدین شکل این مشکل ارتباطی در سطح خانواده، می‌تواند در جامعه شیوع و گسترش یابد و ارتباط انسانی را مختل نماید. وقتی بنیان نهاد خانواده دچار تزلزل شود، بنیان‌های کل نظام اجتماعی متزلزل شده و جامعه به سوی مشکلات روحی و روانی گوناگون سوق داده می‌شود از جمله؛ خیانت، افسردگی، بی‌اعتمادی، بدبینی، بی‌دینی واز همه مهمتر کاهش باروری را باعث می‌شود. در واقع" کیفیت روابط درون خانواده نقش به‌سزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی اعضای خانواده دارد و پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور رابطه زن و شوهر استوار است." (افروز

۱۳۸۹، به نقل از باستانی، گلزاری و همکاران: ۲). لذا با توجه به رشد طلاق عاطفی و پیامدهای ناشی از آن پرداختن به این موضوع و بررسی آن از جوانب مختلف، امری مهم و ضروری است. ضمن اینکه؛ علیرغم توجه به مسئله طلاق، طلاق عاطفی که عامل اصلی بروز طلاق رسمی است کم تر از لحاظ جامعه شناختی مورد بررسی دقیق قرار گرفته است و در همین راستا پژوهش حاضر، عوامل جامعه شناختی موثر بر طلاق عاطفی را مورد بررسی قرار داده است.

اهداف تحقیق

از آنجایی که؛ طلاق عاطفی از جمله پدیده هایی است که؛ کیفیت زندگی و سلامت جامعه را با خطر مواجه ساخته است بنابراین هدف کلی این پژوهش بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر طلاق عاطفی در بین خانواده های کرمانی می باشد. علاوه بر این اهداف جزئی دیگری نیز مد نظر بوده که؛ شامل:

- بررسی تاثیر میزان درآمد بر طلاق عاطفی در بین خانواده های کرمانی.
- بررسی تاثیر وضعیت شغلی بر طلاق عاطفی در بین خانواده های کرمانی.
- بررسی تاثیر نظم درون خانواده بر طلاق عاطفی در بین خانواده های کرمانی.
- بررسی تاثیر دینداری زوجین بر طلاق عاطفی در بین خانواده های کرمانی.
- بررسی تاثیر نحوه رابطه زوجین بر طلاق عاطفی در بین خانواده های کرمانی.
- بررسی سلامت جسمی بر طلاق عاطفی در بین خانواده های کرمانی.
- بررسی سلامت روانی بر طلاق عاطفی در بین خانواده های کرمانی.
- ارائه راهکارهای راهبردی و کاربردی در جهت کاهش میزان طلاق عاطفی در سطح جامعه.

پیشینه تحقیق

عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده های تهرانی پژوهشی است که؛ پروین، داوودی و همکاران انجام داده اند جامعه آماری تحقیق شامل کلیه خانواده های ساکن در شهر تهران و فرض نظری این است که؛ برهم خوردن تعادل ساختار خانواده و تغییر در کارکردهای قوامبخش آن، زمینه ساز طلاق عاطفی می باشد که؛ یافته های تحقیق نشان می دهد که متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه اجتماعی درون خانواده بیشترین رابطه معنادار با میزان طلاق عاطفی را داشته است.

در پژوهش باستانی، گلزاری و همکاران با عنوان "طلاق عاطفی و شرایط میانجی"، به بررسی طلاق عاطفی از دید زنان پرداخته که؛ به روش نظریه مبنایی انجام شده است. تمرکز مطالعه بر فرایندی بوده که؛ تجربه طلاق عاطفی زنان را شکل داده است. نتایج پژوهش پیچیدگی و تنوع تجربیات زنان را نشان میدهد و این نظر را که ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی در تجربه طلاق عاطفی در تعامل هستند، حمایت میکند. در واقع این پژوهش نشان داده است که طلاق پدیده‌ای تک‌عاملی نیست بلکه؛ مجموعه‌ای از عوامل طلاق عاطفی را بوجود آورده که؛ میزان تاثیر این عوامل در ایجاد طلاق عاطفی متفاوت است. نتایج این پژوهش حاکی از این است که؛ علت طلاق عاطفی در عدم شناخت زن و مرد از ویژگی‌های یکدیگر است و همچنین تصور زنان از ویژگی‌های همسر مطلوب و به تبع آن رابطه همسری مطلوب و مغایرت آن با الگوهای فرهنگی است. و در بررسی شرایط میانجی به نقش والدین در زندگی مشترک فرزندان اشاره شده است. بطوریکه دخالت خانواده ناراضی از خانواده هاشمیوه تربیتی نادرست از مهمترین شرایط میانجی ذکر شده است.

کوهلریسمن هم در پژوهش خود رخدادهای زندگی، معنا و روایت؛ خیانت و طلاق، به بررسی این موضوع پرداخته که در شکل‌گیری طلاق عوامل مختلفی می‌تواند دخیل باشد به این معنا که؛ افراد در مقابل یک اتفاق یکسان رفتار متفاوتی از خود بروز می‌دهند و این بستگی به گذشته فرد و اتفاقات و تجربیات فرد دارد. ممکن است موضوعی مثل خیانت برای یک فرد باعث طلاق شود ولی برای فرد دیگر منجر به طلاق نشود. پس طلاق از نظر او نه تنها پدیده‌ای چند بعدی است بلکه؛ روایت افراد از رخدادهای زندگی از منظر افراد مختلف، متفاوت است.

"برآورد درستی آزمایی طلاق عاطفی" پژوهش دیگری است که؛ پورحسین و بیست انجام داده اند که هدف این پژوهش طراحی و ساخت آزمون طلاق عاطفی و برآورد درستی آزمایی آن بوده است. در این پژوهش از طیف لیکرت جهت پرسشنامه استفاده شده است و یافته‌ها نشان داده که؛ توانایی این مقیاس در سنجش طلاق عاطفی بالاست و همبستگی درونی بین سوالات با یکدیگر نیز در حد بالایی توصیف شده است.

سالتز هم در پژوهش فرآیند طلاق به مقایسه چندین مدل فرآیند طلاق و تاثیر آن بر مشاوره می‌پردازد. و نتیجه می‌گیرد که مدل‌ها با یکدیگر تعارض نداشته و ترکیبی از نظریه‌های فرآیند طلاق را ارائه می‌دهد.

پژوهش دیگر که؛ توسط فتحی و باقری در زمینه "طلاق عاطفی" است با هدف بررسی طلاق عاطفی در زوجین و به طور اخص، میزان مدارا و سازش در زوجین ایرانی است، این پژوهش به روش مبنایی صورت گرفته است. بعد از ارزیابی نظرات و تحلیل پرسشنامه‌ها به آزمودنی‌ها، سعی شده به پیامدهای طلاق عاطفی؛ استراتژیهای مواجهه با آن در زنان و مردان بپردازد. زنان پیامدهای طلاق عاطفی را مواجهه خود و فرزندان با فشارها و مشکلات روحی بیان کرده‌اند. آنان استراتژیهای متفاوتی را در مواجهه با طلاق عاطفی دنبال کرده‌اند. استراتژیهای دسته اول که؛ رابطه محور هستند، در پی اصلاح و بهبود بخشی رابطه‌ی همسری است. استراتژیهای دسته دوم که؛ بعضی از زنان در مواجهه با پیامدهای طلاق عاطفی دنبال میکنند استراتژیهای خویشتن محور است که در جهت بازبازی خویشتن و بهبود زندگی شخصی اتخاذ میشوند. و در آخر استراتژیهای دسته سوم استراتژیهای فرزند محور است که هدف آن بهبود بخشی وضعیت فرزندان در زمینه‌های مختلف است. همچنین استراتژیها، بر اساس تاثیری که بر رابطه همسری دارند به سه دسته مثبت، منفی و خنثی تقسیم میشود. در مجموع استراتژیهای رابطه محور، استراتژیهای مثبت یا خنثی هستند و استراتژیهای خویشتن محور و فرزند محور

استراتژی‌هایی منفی یا خنثی هستند. نتیجه اینکه؛ در درمان طلاق عاطفی توجه به تفاوتها ضروری است و نمی توان به روشهای درمانی یکسان برای خانواده های مختلف بسنده کرد.

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی در شهر یزد"، پژوهش دیگری است در زمینه طلاق عاطفی که؛ کریمی، مداحی و همکاران انجام داده اند و هدف تحقیق بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی در بین متأهلین شهر یزد می باشد. براساس داده های تحقیق رابطه ی بین سبک زندگی سنتی و طلاق عاطفی رابطه ای مستقیم بوده، در صورتیکه رابطه طلاق عاطفی با سبک زندگی مدرن معکوس میباشد؛ یعنی هر چه سبک زندگی مدرن در بین زوجین بیشتر وجود داشته باشد طلاق عاطفی کمتر تجربه میشود.

پژوهشی توسط ابراهیمی و بنی فاطمه با عنوان " تعیین میزان طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در میان زنان متأهل شهر نقده "انجام شده که ؛ نتایج یافته ها حاکی از آن است که میزان طلاق عاطفی در بین زنان در سطح متوسط به پایین قرار دارد. عواملی همچون میزان دینداری ، همسان همسری، برآورده نشدن انتظارات ، تفاوت عقاید و وضعیت اجتماعی اقتصادی تأثیرگذار بوده اند. در این- تحقیق متغیرهای دینداری و همسان همسری رابطه مستقیم و معکوس داشتند و متغیرهای برآورده نشدن انتظارات و تفاوت عقاید، رابطه مستقیم با متغیر طلاق عاطفی را داشتند.

یافته های تحقیق یزدانی و حقیقتیان و همکاران در پژوهش موردی شهرکرد " بررسی کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی. نشان داد که؛ بین طلاق عاطفی و شش بعد کیفیت زندگی زنان (احساس فردی، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، کیفیت سلامت، رضایت از شرایط محیطی و رضایت از شرایط اقتصادی) رابطه معناداری وجود دارد. همچنین اختلاف رتبه ها در هر کدام از متغیرهای وابسته در دو گروه نیز معنادار بوده است. در نهایت این نتیجه حاصل شد که؛ کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی براساس طیف لیکرت، در حد پایین و کیفیت زندگی زنان عادی در حد بالایی است.

همان طور که پائول و سامان و دیگران، در تحقیق نقش فرهنگ و جنسیت در رابطه بین طلاق و ریسک خودکشی، به این نتیجه رسیدند که ریسک طلاق در بین افراد مطلقه بیشتر است کما اینکه شاخص های فرهنگی نیز در آن دخیل است. خودکشی را از پیامدهای طلاق عاطفی دانسته و امید به زندگی را با توجه به شاخص های فرهنگی بررسی کرده اند. چنانچه ریسک خودکشی در در کشورهای آسیایی در میان افراد مطلقه با توجه به شاخص های فرهنگی بیشتر بوده است

چارچوب نظری تحقیق

نظریه هایی که در راستای پژوهش به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده اند، تلفیقی از نظریه های کارکرد گرایی ساختاری پارسونز، نظریه نظم خردچلیبی و عشق استنبرگ می باشد.

کارکرد عمده هر سه نظریه مبتنی بر تعامل و کیفیت روابط استوار است. به گونه‌ای که چلبی بر این باور است که؛ در تعامل است که حق و تکلیف و عاطفه مبادله می‌شوند و او از نظر تحلیلی تعامل را دارای دو وجه عمده ابزاری و اظهاری می‌داند که؛ روابط خانوادگی از مصادیق رابطه اظهاری محسوب می‌شود.

رابطه اظهاری چلبی چون نظریه عشق استنبرگ است بر سه اصل صمیمیت، اعتماد و تعهد بنا شده است. طبق نظریه چلبی، چنانچه خانواده را گروه کوچکی در نظر بگیریم در صورت بروز اختلال در تعامل همسران و کارکردهای خانواده یعنی نبود مشارکت بین زوجین، عدم تقسیم کار، ساختار اقتدار و برآورده نشدن نیازهای عاطفی و جنسی زوجین و... به نحوی روابط بین همسران و وضعیت سلامت خانواده را، از لحاظ جسمی و روانی تحت الشعاع قرار داده بطوریکه، زمینه طلاق عاطفی را فراهم می‌نماید. همان طور که؛ نظریه کارکردگرایی به عنوان پایه و اساس پژوهش حاضر، بر این امر اذعان دارد که هر خرده نظام در جامعه دارای کارکردی است و چنانچه اختلالی در عملکرد هر خرده نظام پیش آید به تبع آن جامعه با مشکلاتی مواجه خواهد شد. و خانواده نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد، زمانیکه کارکردهای اصلی خانواده دچار چالش شود، در اولین قدم عواطف و احساسات اعضای خانواده درگیر خواهد شد.

بنابراین، بر طبق نظریه کارکردی و ساختاری پارسونز که؛ به عنوان نظریه اصلی پژوهش در نظر گرفته شده است "انگاره اصلی ناظر بر کارکردها و فعالیتهای ضروری برای حفظ انواع جامعه یا گروههای اجتماعی است. این کارکردها شامل مواردی مانند تولید مثل، تولید اقتصادی، تعلیم و تربیت، دین، تفریح و مهمتر از همه کارکردها یا وظایفی است که برای دستیابی جامعه به ثبات باید انجام شود. به عقیده پارسونز در جوامع صنعتی پیشرفته خانواده تمام کارکردهای اجتماعی خود را از دست داده و تبدیل به خانواده منزوی شده است و در عین حال سایر کارکردهای آن مانند کارکردهای اقتصادی، تعلیم و تربیتی، خدماتی، محافظتی و... نیز به نهادها و سازمانهای اجتماعی دیگر مانند شرکتها، کارخانه ها، مدارس و بیمارستانها واگذار شده است. به نظر وی، فرایند توسعه صنعتی به بروز انشقاق در خانواده منجر شده و علت این تحول نخست، جدا ساختن خانواده از شبکه خویشاوندی و سپس تقلیل گروه خانگی به خانواده تک هسته‌ای کوچک بوده است. در نتیجه، خانواده تمام عملکردهای تولیدی، سیاسی و دینی خود را از دست داده و تنها به واحد سکونت و مصرف مبدل شده است. به نظر پارسونز ایفای نقشهای تخصصی مردانه و زنانه به دوام خرده نظام خانواده در چارچوب نظام اجتماعی کمک می‌کند. پدر نقش ابزاری را بر عهده دارد، زیرا حلقه ارتباطی بین خانواده و جامعه تلقی شده و نیازهای مادی خانواده را تأمین می‌کند و زن نقش بیانگر را درون خانواده ایفای کند" (سگال ۱۳۸۵: ۸۵ به نقل از پروین و همکاران، ۱۳۸۰). بر همین اساس وی معتقد است که انگاره خانواده معاصر با ویژگیهای جامعه امروزی صنعتی سازگار است. در این دیدگاه، خانواده به عنوان نظامی در نظر گرفته می‌شود که ورودی، خروجی و فرایندهایی دارد.

پژوهش حاضر، بر اساس نظریه نظام اجتماعی و کارکردگرایی پارسونز عوامل تأثیرگذار و زمینه ساز در طلاق عاطفی را در فقدان سه کارکرد اصلی خانواده (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) را با توجه به نظریه عشق استنبرگ و نظم خرد چلبی تبیین نموده است:

الف) وقتی که کارکرد سازگاری و انطباق خانواده با محیط اجتماعی با چالش مواجهه شود؛ این مورد را می‌توان هم در زمینه مادی و هم در زمینه هنجاری نظام خانواده بررسی کرد. چنانچه وقتی خانواده نتواند از لحاظ معیشتی خود را حفظ کند

و یا اینکه در رابطه با دیگر نهادهای جامعه تنشدار شود (نظیر فشار نهادهای دیگر جامعه برای حذف کارکردهای آن) نظام خانواده سست شده و آمادگی برای طلاق افزایش می یابد. فرسودگی شغلی زوجین در این دسته قرار می گیرد زیرا؛ سختی معیشت می تواند افراد خانواده را مجبور به فعالیت بیشتر بیرون از خانه کند و این امر وخستگی های ناشی از آن می تواند روابط عاطفی خانواده را باچالش مواجه کند. "(پروین و داودی وهمکاران ۱۳۰: ۱۳۹۰-۱۲۹۰).

ب) "وقتی کارکرد یگانگی و انسجام خانواده دچار اختلال شود، این مسئله هنگامی ظاهر می شود که؛ قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده، ضمانت اجرای خود را از دست می دهند. نمونه آن را می توان در مواردی جستجو نمود که؛ نقشهای جنسیتی در خانواده و نظام هنجاری تقسیم نقشها مختل می شود. در این صورت بایستی منتظر اختلاف در خانواده و افزایش احتمال طلاق عاطفی و سپس طلاق واقعی بود. نظم درون خانواده، سرمایه اجتماعی و توزیع قدرت در این کارکرد قرار می گیرد". (همان).

ج) "هنگامی که نظام الگوهای فرهنگی خانواده آسیب می بیند و از ایجاد الگوها و انگیزه های لازم برای حفظ و بقای نظام خانواده بازمی ماند؛ در این صورت وضعیت سلامت خانواده تحت الشعاع قرار گرفته وزن مردانگیزه ای برای بقا و استحکام خانواده نمی شناسند. لذا با به وجود آمدن کمترین اختلافی آماده برای گسستن این پیوند میگردند". (پروین و داودی وهمکاران ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۲۹۰). نحوه رابطه زوجین و باورها و اعتقادات دینی گونه ای از الگوهای فرهنگی است که؛ کیفیت رابطه زوجین را تحت الشعاع خود قرار داده است.

د) از آنجایی که؛ صاحب نظران تاکید بسیاری بر سلامت خانواده داشتند و روابط سالم بین اعضای خانواده را پایه و اساس یک خانواده سالم عنوان کردند لذا بر این شدیم وضعیت سلامت خانواده را نیز، از لحاظ فیزیکی به عنوان شاخصی مجزا بررسی کنیم. به عبارتی سلامت جسمی و روانی تا چه حد روابط بین زوجین را تحت الشعاع قرار داده و تا چه میزان طلاق عاطفی و طلاق را پوشش می دهد.

جدول ماتریس نظریه ها

ر دیف	حوزه	نظریه پرداز	نام تئوری (نظریه)	سال طرح نظریه	متغیرها (خلاصه نظریه)
۱	جامعه شناختی	پارسونز	کارکردگرایی ساختاری	۱۹۳۰	وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۲	جامعه شناختی	استنبرگ	مثلث عشق	۱۹۸۷	تعهد، صمیمیت، شور و اشتیاق
۳	جامعه شناختی	چلبی	نظم خرد	۱۳۷۵	تعامل ابزاری و اظهاری
۴	جامعه شناختی	مارکز	کیفیت زناشویی	۱۹۸۹	زاویه درونی، زاویه همسری و زاویه سوم در فرد متاهل

۵	جامعه‌شناختی و روان‌شناسی	وایت و کلین	تعارض	۲۰۰۳	اجتناب ناپذیر بودن تعارض و پیامدهای آن بر خانواده
۶	جامعه‌شناختی	ساروخانی	همسان‌همسری	۱۳۸۸	همسان‌همسری و ناهمسان‌همسری
۷	جامعه‌شناختی و روان‌شناسی	هومنز	مبادله و تعاملات اجتماعی	۱۹۶۰	سود و هزینه و ارضای فردی
۸	جامعه‌شناختی	استاسی آدامز	انصاف	۱۹۶۵-۹۶۳	تاثیر پیشینه فرهنگی در باب واکنش افراد در خصوص عدالت و برابری
۹	جامعه‌شناختی	مرتن	کارکرگرای	۱۹۶۸-۹۴۹	کژکارکردی در خانواده
۱۰	جامعه‌شناختی	اسپنسر	انسان و طبیعت (بقاء/صلح)	۱۹۰۳-۸۲۰	سیر تکامل جوامع و طبیعت، قدرت سازگاری با شرایط موجود و انتخاب اصلح و بقاء

فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین میزان درآمد و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین وضعیت شغلی و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نظم درون خانواده و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین دینداری زوجین و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نحوه رابطه زوجین و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سلامت جسمی و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سلامت روانی و طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی (نظری) تعریف عملیاتی متغیرها

تعریف مفهومی (نظری) متغیر وابسته (طلاق عاطفی)

الف) طلاق عاطفی وضعیتی است که در ظاهر ساختار خانواده حفظ می‌شود ولی؛ در واقع خانواده از درون تهی است، چراکه رابطه عاطفی مثبت میان زوجین از میان رفته و روابط منفی عاطفی جای آن را گرفته است. (وایزمن و گاتمن ۱۳۸۲، به نقل از پروین و داودی و همکاران ۱۳۹۱: ۱۲۷)

ب) تعریف عملیاتی متغیر وابسته (طلاق عاطفی): متغیر وابسته پژوهش حاضر، طلاق عاطفی است که بر طبق چارچوب نظری به چهار شاخص اصلی تقسیم شده است که؛ متغیرهای مستقل پژوهش می باشند. ۱- وضعیت اقتصادی ۲- وضعیت اجتماعی ۳- وضعیت فرهنگی ۴- وضعیت سلامت.

تعریف مفهومی (نظری) و عملیاتی متغیرهای مستقل تحقیق

- وضعیت اقتصادی^۱: نظام تولید و مبادله که نیازهای مادی افراد را که؛ در جامعه معینی زندگی می کنند تامین می کند. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۷۷۹).

بنابراین وضعیت اقتصادی را بر طبق تعریف فوق از لحاظ عملیاتی به دو شاخص تقسیم کرده و مورد سنجش قرار دادیم ۱- میزان درآمد ۲- وضعیت شغلی.

- وضعیت شغلی: منظور شاغل و بیکاربودن پاسخگو.

- وضعیت اجتماعی^۲: از نظر گیدنز اجتماعی شدن مبنای فردیت و آزادی ما است. در جریان اجتماعی شدن هر یک از ما یک حس هویت شخصی، توانایی اندیشه و عمل مستقل پیدا می کنیم. اجتماعی شدن را فرایندی می دانند که به تدریج انسان را به موجودی آگاه، دانا و ماهر در شیوه های رفتار ویژه فرهنگ و محیط معینی تبدیل می شود. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۹۶).

بنابراین بر طبق تعریف فوق از لحاظ عملیاتی، شاخص اصلی وضعیت اجتماعی، نظم درون خانواده در نظر گرفتیم. آن را از دو بعد مورد سنجش قرار دادیم ۱- توزیع قدرت ۲- سرمایه اجتماعی.

- توزیع قدرت: ۱- ساختار اقتدار در خانواده ۲- تقسیم کار در خانواده است.

- سرمایه اجتماعی: هنجارها و شبکه های قوام دهنده و پیوند دهنده در نظام خانواده است: ۱- مشارکت زوجین ۲- اعتماد زوجین.

- وضعیت فرهنگی^۳: به مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه-عادات و رسوم آنها همراه با کالاهای مادی که، تولید می کنند. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۶).

بر طبق تعریف گیدنز، دو شاخص ۱- دینداری ۲- نحوه رابطه زوجین را برای وضعیت فرهنگی در نظر گرفتیم.

- وضعیت سلامت^۴: مربوط به وضعیت طبیعی بدن است به عبارتی اختلال در کارکرد طبیعی بدن که ؛ این اختلال ممکن است سلامت جسمی و روانی انسان را تحت تاثیر قرار دهد. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۶۳).

1 - Economic state

2 - Social State

3 - Cultural state

4 - Health state

بنابراین وضعیت سلامت را با توجه به دوشاخص بررسی کردیم: ۱- سلامت جسمی ۲- سلامت روانی

روش تحقیق

مطالعه میدانی می‌باشد. روش میدانی به این معنا که؛ محقق به طور عملی درمیدان تحقیق حاضر می‌شود و اقدام به جمع‌آوری اطلاعات می‌کند.

تکنیک گردآوری داده‌ها

تکنیک پیمایشی بوده است.

تکنیک پیمایشی^۱

مجموعه‌ای از روش‌های منظم و استاندارد است که؛ برای جمع‌آوری اطلاعات درباره افراد، خانواده‌ها و یا مجموعه‌های بزرگتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسش از افرادی که؛ به طور منظم انتخاب شده و در گروه‌هایی نمونه دسته‌بندی شده‌اند، صورت می‌گیرد. پس واژه پیمایش هم به ابزار استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها و هم به فرایندهای به کار گرفته شده هنگام بهره‌گیری از آن اطلاق می‌شود. (ادواردز، دی. تامس و همکاران ۱۳۷۹، ۱۷)

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، پرسشنامه می‌باشد که؛ از نوع محقق ساخته است. یعنی محقق شاخصهای لازم را طراحی نموده و تبدیل به سوال پرسشنامه نموده است. ابزار مکمل در این تحقیق، مصاحبه می‌باشد که؛ جهت مصاحبه با صاحب نظران و تایید روایی پرسشنامه انجام شده است.

جامعه آماری (N)

شامل کلیه افرادی که؛ در سال ۱۳۹۵ طلاق عاطفی را تجربه کرده‌اند یا به طور رسمی در این زمینه اقدام نموده‌اند. بطوریکه جامعه آماری، بطور خاص شامل زوجینی می‌شود که؛ با یکدیگر دچار اختلالات عاطفی و روانی شده و به منظور طلاق به مشاوران و نهادهای مشاوره مراجعه کرده‌اند که تعداد دقیق آنها در طول سال ۱۳۹۵ نامشخص است.

حجم نمونه (n)

با توجه به نامشخص بودن دقیق جامعه آماری (یعنی افراد مراجعه کننده به دفاتر مشاوره خانواده در امر طلاق) بنابراین حجم نمونه نیز به تعداد جامعه آماری وابسته است از این رو تعداد ۲۰۰ (دویست) پرسشنامه

طی سال ۱۳۹۵ به زوجینی که به مراکز مشاوره زیرمراجعه کرده اند اختصاص یافت و توسط آنها تکمیل شد:

- ۱- مرکز مشاوره خانواده دادگاه انقلاب اسلامی شهر کرمان.
- ۲- مرکز مشاوره خانواده تحت نظارت استانداری شهر کرمان.
- ۳- مرکز مشاوره خانواده با عنوان آرامش، تحت نظارت ناجا (نیروی انتظامی) شهر کرمان.
- ۴- مرکز مشاوره خانواده، تحت نظارت بهزیستی شهر کرمان.
- ۵- مرکز مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی کرمان.
- ۶- کلینیک تخصصی مشاوره زکریا در شهر کرمان.
- ۷- کلینیک تخصصی مشاوره بعثت تحت نظارت سپاه پاسداران در شهر کرمان.
- ۸- کلینیک مشاوره ثامن الحجج.

روش نمونه گیری

از آنجایی که هرچه نمونه آماری بطور تصادفی توزیع شود از شرط نمایایی و علمی بودن بیشتری برخوردار است لذا، در این تحقیق تلاش شد از روش تصادفی خوشه ای به صورت چند مرحله ای استفاده شود به صورتی که؛ ابتدا شهر کرمان به عنوان خوشه ی اصلی انتخاب شد سپس در هر منطقه شهری یعنی هرزیر خوشه، یک مرکز مشاوره طلاق، انتخاب شد و پرسشنامه ها بین آنها توزیع و تکمیل گردید.

قلمرو مطالعاتی، قلمرو زمانی و مکانی تحقیق

پژوهش حاضر، به بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر طلاق عاطفی پرداخته است که در قلمرو جامعه شناسی و محدوده زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ در شهر کرمان انجام شده است.

روایی تحقیق (اعتبار تحقیق)^۱

مفهوم اعتبار (روایی) به این سوال پاسخ می دهد که؛ ابزار اندازه گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می سنجد. بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه گیری نمی توان به دقت داده های حاصل از آن اطمینان داشت. (ارل بی، ۳۳۶: ۱۳۹۰).

در پژوهش حاضر از اعتبار صوری یا روایی صوری استفاده شده. بدین صورت که؛ پرسشنامه پس از توافق و تایید اساتید این حوزه طرح وبه مرحله اجرا درآمد.

پایایی تحقیق^۱ (قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری)

مفهوم یاد شده با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد. از جمله تعریف هایی که برای قابلیت اعتماد ارائه شده، همبستگی میان یک مجموعه از نمرات و مجموعه دیگری از نمرات در یک آزمون معادل که به صورت مستقل بر یک گروه آزمودنی به دست آمده است. با توجه به این امر معمولاً دامنه ضریب قابلیت از صفر (عدم ارتباط) تا $+1$ (ارتباط کامل) است. ضریب قابلیت اعتماد نشانگر آن است که تا چه اندازه ابزار اندازه گیری ویژگی های با ثبات آزمودنی و یا ویژگی های متغیر و موقتی وی رامی سنجد. لازم به ذکر است که قابلیت اعتماد در یک آزمون می تواند از موقعیتی به موقعیت دیگر و از گروهی به گروه دیگر متفاوت باشد. برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری شیوه های مختلفی به کار برده می شود. از آن جمله می توان به الف. روش بازآزمایی (اجرای دوباره) ، ب. (روش موازی) همتا، ج. (روش تصنیف) دو نیمه کردن، د. (روش کودریچاردسون)، ه. روش آلفای کرونباخ.

در پژوهش حاضر، برای محاسبه قابلیت اعتماد از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شده است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری از جمله پرسشنامه ها یا آزمونهایی که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کند بکار میرود. در این گونه ابزارها، پاسخ هر سوال می تواند مقدار عددی مختلف را اختیار کند. برای محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ابتدا باید واریانس نمره های هر زیرمجموعه سوال های پرسشنامه (یا زیر آزمون) و واریانس کل را محاسبه کرد. (ارل بی، ۳۲۹: ۱۳۹۰).

روش تجزیه و تحلیل داده های تحقیق

در پژوهش حاضر، پس از تکمیل پرسشنامه ها از نرم افزار آماری S.P.S.S جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است .

الف). چه تعداد از پاسخگویان دچار طلاق عاطفی هستند با بهره گیری از نرم افزار آماری S.P.S.S.

ب). رسم جداول توصیفی برای متغیرهای مستقل تحقیق. (میزان فراوانی متغیرهای مستقل).

پ). رسم جداول استنباطی برای متغیرهای مستقل تحقیق که شامل:

۱- تجزیه و تحلیل فرضیه ها با آزمون خی دو برای بررسی رابطه بین متغیر وابسته (طلاق عاطفی) و متغیرهای مستقل.

۲- تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها با ضریب همبستگی برای بررسی شدت وجهت رابطه بین متغیر وابسته (طلاق عاطفی) و متغیرهای مستقل.

۳- تجزیه و تحلیل فرضیه‌های تاییدشده و کمی با آزمون رگرسیون، برای بررسی وزن خالص متغیرهای مستقل و اینکه کدام متغیر مستقل بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته داشته است.

محاسبه ضریب پایایی پرسشنامه

آزمون آلفای^۱ کرونباخ: در جهت سنجش قابلیت اعتماد ابزار تحقیق استفاده می شود.

جدول ۱. میزان آلفای کرونباخ

ردیف	شاخص	پرسشنامه مقدماتی	
		تعداد گویه‌ها	ضریب پایایی
۱	طلاق عاطفی (وابسته)	۶	۰/۸۳
۲	مشارکت زوجین	۲	۰/۸۱
۳	دینداری زوجین	۳	۰/۷۹
۴	سلامت جسمی و روحی زوجین	۲	۰/۵۵
۵	نحوه رابطه زوجین	۸	۰/۷۵

محقق قبل از شروع سوالات مربوط به تحقیق (عوامل جامعه شناختی موثر بر طلاق عاطفی) با بهره بردن از طیف لیکرت سوالاتی منطبق بر طلاق عاطفی طرح کرده بود مبنی بر اینکه: چه تعداد از افرادی که به سوالات پاسخ می دهند دچار طلاق عاطفی بوده اند که نتایج در جدول ذیل مشخص است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان به طلاق عاطفی. (متغیر وابسته تحقیق).

ردیف	میزان طلاق عاطفی	فراوانی مطلق	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
۱	کم	۳۴	۰/۱۷	۳۴
۲	متوسط	۴۸	۰/۲۴	۸۲
۳	زیاد	۸۴	۰/۴۲	۱۶۶
۴	بی پاسخ‌ها	۳۴	۰/۱۷	۲۰۰

-----	./۱۰۰	۲۰۰	جمع کل	۵
-------	-------	-----	--------	---

از ۱۶۶ نفر پاسخگو، ۴۲٪ (چهل و دو درصد) از زوجین بیشترین میزان طلاق عاطفی را داشته‌اند. ۱۷٪ (هفده درصد) از زوجین کمترین میزان طلاق عاطفی را داشتند. طلاق عاطفی در ۲۴٪ (بیست و چهار درصد) از زوجین متوسط بوده است.

یافته‌های توصیفی

با توجه به نتایج به دست آمده:

- بالاترین میزان درصد فراوانی مراجعه کنندگان به کلینیک‌های مشاوره جهت طلاق مربوط به پاسخگویان زن، ۶۸٪ (شصت و هشت درصد) بوده است.
- ضمن اینکه ۴۷/۵٪ (چهل و هفت و نیم درصد) پاسخگویان در رده سنی ۱۹-۳۳ بوده که، بالاترین درصد فراوانی را داشته است.
- بیشترین میزان درصد فراوانی پاسخگویان ۹۴٪ (نود و چهار درصد) باسواد بوده در سطح دیپلم بوده ۳۶٪ (سی و شش درصد).
- درآمد اکثر آنها ۵/۵۲٪ (پنجاه و دو و نیم درصد) زیر یک میلیون بوده است.
- زنان خانه دار بیشترین مراجعه را داشتند ۲۸٪ (بیست و هشت درصد) و بعد از آن افرادی که شغل آزاد داشتند ۵/۲۴٪ (بیست و چهار و نیم درصد).
- بالاترین درصد فراوانی مربوط به پاسخگویانی بوده که ۵/۲۶٪ (بیست و شش و نیم درصد) از پدرها و ۲۵٪ (بیست و پنج درصد) از مادرها بی سواد بوده است.
- ۱۷٪ (شصت و هفت درصد) از پاسخگویان ادعا کرده‌اند که؛ همسرشان از سلامت جسمی برخوردار بوده است و بالاترین درصد فراوانی را داشت.
- ۵/۶۴٪ (شصت و چهار و نیم درصد) و بالاترین درصد فراوانی پاسخگویان از سلامت روانی (عدم وابستگی به هیچ مواد و دارویی) برخوردار بودند و بالاترین درصد فراوانی ۴۷٪ (چهل و هفت درصد) مدعی بودند که؛ همسرشان از سلامت روانی برخوردار است.
- وضعیت شغلی پاسخگویان ۵/۵۹٪ (پنجاه و نه و نیم درصد) همسران شاغل و بالاترین میزان درصد فراوانی را شامل شده است. ۵/۲۳٪ (بیست و سه و نیم درصد) معتقد بودند که نسبتاً از شغل همسر رضایت دارند و بالاترین میزان درصد فراوانی را شامل شده است.
- ۲۲٪ (بیست و دو درصد) معتقد بودند که؛ درآمد کم دلیل نارضایتی از شغل همسر است و بالاترین میزان درصد فراوانی را شامل شده است.
- ۵/۲۲٪ (بیست و دو و نیم درصد) معتقد بودند که شغل همسر تاثیر بسیار زیادی در رابطه بین زوجین دارد و بالاترین میزان درصد فراوانی را شامل شده است.
- نحوه رابطه زوجین ۵۳٪ (پنجاه و سه درصد) معتقد بودند که بی مسئولیتی همسر عمده‌ترین عامل تاثیرگذار در روابط بین همسران است که؛ بالاترین میزان درصد فراوانی را دارد.

- نحوه رابطه زوجین (ارضانیاهای عاطفی): نوازش کردن، ابراز عشق کردن و با هم بیرون رفتن، ۵۱٪ (پنج‌جاه و یک درصد) ادعا کردند که؛ یادشان نمی آید چه زمانی عشقشون به همدیگر بروز داده اند.

- نحوه رابطه زوجین (ارضانیاهای جنسی): ۱۳٪ (سیزده درصد) اعلام داشته که؛ به یاد ندارند که چه زمانی بوده و بالاترین میزان درصد فراوانی را شامل شده است.

- دینداری زوجین، ۴۵/۵٪ (چهل و پنج و نیم درصد) از پاسخگویان ابراز داشتند که؛ باورهای مذهبی نقش بسیاری در تحکیم خانواده داشته و ۳۰٪ (سی و نیم درصد) عنوان داشتند که؛ انجام فعالیت های مذهبی نقش نسبی در ارتباط زوجین دارد و بالاترین میزان درصد فراوانی را داشتند.

- سرمایه اجتماعی زوجین شامل مشارکت زوجین، ۲۷/۵٪ (بیست و هفت و نیم درصد) عنوان داشتند که؛ مشارکت خیلی کمی در امور منزل داشتند و بالاترین میزان درصد فراوانی را داشتند. ۳۲٪ (سی و دو درصد) عنوان داشتند که؛ هماهنگی خیلی کمی در امور منزل داشتند و بالاترین میزان درصد فراوانی را داشتند.

- سرمایه اجتماعی شامل اعتماد زوجین، ۳۲/۵٪ (سی و دو و نیم درصد) عنوان داشتند که؛ همسرشان به میزان خیلی کمی به زندگی وفادار هستند و بالاترین میزان درصد فراوانی را داشتند.

- توزیع قدرت در خانواده ۷۰/۵٪ (هفتاد و نیم درصد) عنوان داشتند که؛ مدیریت مالی منزل را مرد بر عهده دارد و بالاترین میزان درصد فراوانی را داشتند. ۶۲٪ (شصت و دو درصد) عنوان داشتند که؛ از نحوه مدیریت ناراضی بوده و بالاترین میزان درصد فراوانی را داشتند.

- ۵۱/۵٪ (پنج‌جاه و یک و نیم درصد) تعهد و مسئولیت پذیری ملاک انتخاب همسر عنوان کردند؛ و بالاترین میزان درصد فراوانی را داشتند.

یافته های استنباطی (آزمون فرضیه ها)

طبق نتایج به دست آمده از فرضیه های تحقیق بین وضعیت شغلی، نظم درون خانواده، دینداری زوجین، نحوه رابطه بین زوجین رابطه معنی داری وجود دارد. بین متغیرهای میزان درآمد، سلامت جسمی و سلامت روانی رابطه معنی داری وجود ندارد و فرضیه ها رد شده اند.

از آنجایی که (sig) سطح معنی داری، به دست آمده عدد ۰/۰۶ (شش صدم) است لذا بین دو متغیر میزان درآمد و طلاق عاطفی رابطه همبستگی وجود ندارد بنابراین فرضیه رد می شود چون از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) بزرگتر است. البته رابطه هر چند رد شده اما؛ بسیار نزدیک بوده است.

- همین طور بین دو متغیر وضعیت سلامت جسمی و طلاق عاطفی رابطه ای وجود ندارد زیرا؛ (sig) سطح معنی داری، به دست آمده عدد ۰/۵۰ (پنج‌جاه صدم) است و از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) بزرگتر است.

- بین دو متغیر سلامت روانی و طلاق عاطفی هم رابطه ای وجود ندارد و فرضیه رد می شود. زیرا؛ (sig) سطح معنی داری، به دست آمده عدد ۰/۶۳ (شصت و سه صدم) است و از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) بزرگتر است.

- بین دو متغیر وضعیت شغلی و طلاق عاطفی رابطه همبستگی در جهت معکوس وجود دارد و سطح معنی داری برابر است با ۰/۰۰۷ (هفت هزار) که از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) کوچکتر است و فرضیه تایید می‌شود.
- بین دو متغیر نظم درون خانواده: سرمایه اجتماعی: اعتماد زوجین: میزان وفاداری زوجین و طلاق عاطفی رابطه همبستگی قوی در جهت معکوس وجود دارد و سطح معنی داری برابر است با ۰ (صفر) که؛ از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) کوچکتر است و فرضیه تایید می‌شود.
- بین دو متغیر نظم درون خانواده: سرمایه اجتماعی: مشارکت زوجین و طلاق عاطفی رابطه همبستگی قوی در جهت معکوس وجود دارد و سطح معنی داری برابر است با ۰ (صفر) که؛ از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) کوچکتر است و فرضیه تایید می‌شود.
- بین دو متغیر نظم درون خانواده: توزیع قدرت و طلاق عاطفی رابطه همبستگی قوی در جهت معکوس وجود دارد و سطح معنی داری برابر است با ۰ (صفر) که؛ از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) کوچکتر است و فرضیه تایید می‌شود.
- بین دو متغیر دینداری زوجین و طلاق عاطفی رابطه همبستگی قوی در جهت معکوس وجود دارد و سطح معنی داری برابر است با ۰ (صفر) که؛ از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) کوچکتر است و فرضیه تایید می‌شود.
- بین دو متغیر نحوه رابطه زوجین: تعهد زوجین: عدم مسئولیت پذیری زوجین: و طلاق عاطفی رابطه همبستگی در جهت مستقیم وجود دارد و سطح معنی داری برابر است با ۰/۰۰۵ (پنج هزار) است که؛ از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) کوچکتر است و فرضیه تایید می‌شود.
- بین دو متغیر نحوه رابطه زوجین: عدم صمیمیت زوجین و طلاق عاطفی رابطه همبستگی قوی در جهت مستقیم وجود دارد و سطح معنی داری برابر است با ۰ (صفر) که؛ از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) کوچکتر است و فرضیه تایید می‌شود.
- بین دو متغیر نحوه رابطه زوجین: عدم ارضاء نیازهای عاطفی و طلاق عاطفی رابطه همبستگی قوی در جهت مستقیم وجود دارد و سطح معنی داری برابر است با ۰ (صفر) که؛ از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) کوچکتر است و فرضیه تایید می‌شود.
- بین دو متغیر نحوه رابطه زوجین: عدم ارضاء نیازهای جنسی و طلاق عاطفی رابطه همبستگی قوی در جهت مستقیم وجود دارد و سطح معنی داری برابر است با ۰ (صفر) که؛ از آلفای قابل قبول ۰/۰۵ (پنج صدم) کوچکتر است و فرضیه تایید می‌شود.

جدول ۳. آزمون فرضیه‌ها و ضریب همبستگی اسپیرمن

ردیف	فرضیه	ضریب همبستگی اسپیرمن r	سطح معنی داری (sig)
۱	رابطه بین سلامت جسمی و طلاق عاطفی	-۰/۰۹	۰/۵۰
۲	رابطه بین سلامت روانی و طلاق عاطفی	-۰/۰۶	۰/۶۳
۳	رابطه بین وضعیت شغلی و طلاق عاطفی	-۰/۲۴	۰/۰۰۷ (هفت هزار)
۴	رابطه بین عدم مسئولیت پذیری زوجین و طلاق عاطفی	۰/۲۲	۰/۰۰۵ (پنج هزار)
۵	رابطه بین عدم صمیمیت زوجین و طلاق عاطفی	۰/۲۷	۰ (صفر)
۶	رابطه بین عدم ارضاء نیازهای عاطفی و طلاق عاطفی	۰/۵۲	۰ (صفر)

۷	رابطه بین عدم ارضاء نیازهای جنسی و طلاق عاطفی	۰/۳۴	۰ (صفر)
۸	رابطه بین وفاداری زوجین و طلاق عاطفی	-۰/۴۷	۰ (صفر)
۹	رابطه بین توزیع قدرت و طلاق عاطفی	۰/۳۴	۰ (صفر)

جدول ۴. آزمون فرضیه ها و ضریب همبستگی پیرسون

ردیف	فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون ^۲	سطح معنی داری (sig)
۱	رابطه بین میزان درآمد و طلاق عاطفی	-۰/۱۷	۰/۰۶ (شش صدم)
۲	رابطه بین دینداری زوجین و طلاق عاطفی	-۰/۳۷	۰ (صفر)
۳	رابطه بین مشارکت زوجین و طلاق عاطفی	-۰/۵۹	۰ (صفر)

آزمون تحلیل رگرسیون

در تحلیل رگرسیون، متغیرهای مستقلی که به صورت فاصله ای بوده و همبستگی درونی آنها سنجیده و معنادار بودند مورد تحلیل قرار می گیرند. که در این پژوهش، سه متغیر مستقل (میزان مشارکت، دینداری زوجین و سن زوجین) در سطح فاصله ای قرار دارند مورد تحلیل قرار می گیرند. هدف از آزمون تحلیل رگرسیون، تعیین وزن خالص متغیرها و نیز جهت محاسبه ضریب تعیین کل (R^2)^۱ یعنی: مجموع اثر تمام متغیرهای مستقل (کمی)، بر روی متغیر وابسته (طلاق عاطفی). در اینجا ستون (R^2) مشخص می کند که؛ چند درصد تغییرات متغیر وابسته (طلاق عاطفی) تحت تاثیر متغیرهای مستقل (میزان مشارکت، دینداری زوجین و سن زوجین) است. برای این کار عدد را در ۱۰۰ (صد) ضرب می کنیم. همچنین در ستون آنوا^۲ اگر سطح معنی داری زیر ۰/۰۵ (پنج صدم) باشد نشان می دهد ما می توانیم تحلیل رگرسیون را به روش گام به گام^۳ انجام داده و جدول ذیل حاصل می شود:

جدول ۴. تحلیل رگرسیون و رابطه رگرسیونی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (ملاک).

ردیف	متغیرهای مستقل تحقیق	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (Rsquare)	مقدار F	سطح معنی داری (Sig) Anova
۱	میزان مشارکت زوجین	۰/۵۹۰	۰/۳۴۸	۷۳/۶۲۴	۰ (صفر)
۲	دینداری زوجین	۰/۶۱۹	۰/۳۸۴	۴۲/۶۲۰	۰ (صفر)
۳	سن زوجین	۰/۶۳۴	۰/۴۰۲	۳۰/۵۱۱	۰ (صفر)

- 1 - R-square
- 2 - Anova
- 3 - stepwise

با توجه به جدول فوق ضریب تعیین به ترتیب برابر است با ۳۴۸/۳۸۴، ۰/۴۰۲، می باشد که نشان دهنده این است که به ترتیب متغیرهای مستقل (مشارکت، دینداری و سن) به میزان ۳۴/۸ درصد، ۳۸/۴ درصد و ۴۰/۲ درصد، طلاق عاطفی را تحت تاثیر قرار می دهند. و با توجه به اینکه سطح معنی داری صفر است و کمتر از ۰/۰۵ (پنج صدم) است لذا، رابطه معنی داری بین متغیرهای اصلی تایید می شود.

جدول ۵. محاسبه ضریب بتا (b) وزن خالص متغیرها.

ردیف	متغیرهای مستقل تحقیق	ضریب بتا (Beta) (وزن خالص متغیرها)	مقدار T	سطح معنی داری (sig) Anova
۱	میزان مشارکت زوجین	-۰/۵۲۱	-۷/۳۴۱	۰ (صفر)
۲	دینداری زوجین	-۰/۱۸۳	-۲/۵۵۹	۰/۰۱
۳	سن زوجین	-۰/۱۳۸	-۲/۰۶۵	۰/۰۴

با توجه به جدول تحلیل رگرسیون فوق که؛ با روش (گام به گام) ^۲ انجام شده است؛ مهمترین و تاثیرگذارترین متغیر، در ابتدا میزان مشارکت زوجین بوده است که؛ وزن خالص آن ۰/۵۲- سطح معنی داری آن صفر بوده است. سپس، متغیر مستقل میزان دینداری زوجین که؛ وزن خالص آن برابر است با ۰/۱۸۳- و سطح معنی داری آن ۰/۰۱ بوده است و بعد از آنها متغیر مستقل سن زوجین که؛ وزن خالص آن ۰/۱۳۳- و سطح معنی داری آن ۰/۰۴ است که؛ به ترتیب تاثیر بیشتری روی متغیر وابسته (ملاک) گذاشته بودند. ضمن اینکه ضریب هر سه متغیر منفی بوده؛ که نشان دهنده رابطه معکوس بین متغیر پیش بین و ملاک است.

جمع بندی: در مجموع با عنایت به نتایج تحلیل رگرسیونی، وضعیت متغیر ملاک (طلاق عاطفی) در سطح جامعه آماری مورد بررسی محقق، در جدول ذیل خلاصه می شود:

جدول ۶. محاسبه ضریب تعیین کل (R²)

متغیر ملاک (y)	ضریب	ضریب تعیین	مقدار F	سطح معنی داری (sig) Anova
طلاق عاطفی	همستگی، هندگانه R	۰/۴۰۲	۳۰/۵۱۱	۰ (صفر)

1 - Beta

2 - Stepwise

با توجه به نتایج تحلیل جدول فوق، مشخص می شود که عوامل اصلی (متغیرهای کلیدی سه گانه) به میزان ۰.۴۰، تغییرات ونوسانات متغیر ملاک (طلاق عاطفی) را تحت تاثیر قرار داده و آنرا تبیین می کنند، به عبارت دیگر، انحراف معیار متغیر ملاک (طلاق عاطفی) به میزان ۰.۴۰، تحت تاثیر این سه عامل کلیدی، تعیین می شود.

بحث و نتیجه گیری

اگ برن، ناید هارت، پارسونز و ساروخانی خانواده را گروه کوچکی می دانند که؛ صمیمیت و محبت ویژگی اساسی و غیر قابل تفکیک آن است. از این رو خانواده را مهمترین مکانی برای اجتماعی کردن فرزندان می دانند و معتقدند هر گونه دگرگونی ساختاری در نهاد خانواده باعث از دست رفتن کارکردهای آن می شود. طلاق عاطفی را هم می توان نوعی دگرگونی ساختاری برشمرد که؛ آسیب های اجتماعی بسیاری را به جا خواهد گذاشت. چرا که بسیاری از زوجین کنار هم زندگی می کنند ولی؛ از درون هم خبری ندارند. قطع روابط عاطفی نتایج پنهان و نا گفته های بسیا دارد که؛ نباید آنها را دست کم گرفت. آنچه در پژوهش حاضر قابل تامل است که؛ از ۱۶۶ پاسخگو ۰.۴۲، نزدیک به نیمی از آنها دچار طلاق عاطفی بودند که؛ اکثر آنها به دنبال طلاق رسمی بودند. و اینکه اکثر مراجعه کنندگان زنان خانه دار در سطح دیپلم و باسواد بودند. و این خود نشان می دهد که؛ داشتن یا نداشتن استقلال مالی تا چه میزان در طلاق نقش دارد و تحقیقات بیشتری در این مورد خاص می طلبد. و از آنجایی که؛ اکثر مراجعه کنندگان در گروه سنی ۳۳-۱۹ سال بودند پس نسل جوان ما با چالش های بسیاری در زمینه چگونگی بروز عواطف در خانواده و حل مشکلات و ارائه راهکار در جهت مثبت روبرو است و ساده ترین راه را بهترین راه حل می دانند. والدین (پدر و مادر) اکثر مراجعه کنندگان بی سواد بوده و اینکه قشر اجتماعی نیز می تواند عامل دیگری باشد که؛ نیاز به بررسی بیشتری به طور خاص دارد. بیشتر پاسخگویان ادعا کرده اند که از لحاظ وضعیت جسمی و روانی خود و همسرشان سالم هستند و این حاکی از آن است که عوامل دیگری باعث بروز طلاق عاطفی می شود که؛ این پژوهش به آنها پرداخته است. عواملی چون وضعیت شغلی، نظم درون خانواده (توزیع قدرت و سرمایه اجتماعی) نحوه رابطه زوجین (عشق زوجین، تعهد زوجین و صمیمیت زوجین) دینداری زوجین نقش بسیاری در وجود آوردن طلاق عاطفی دارند. نکته قابل توجه اینکه؛ گر چه درآمد اکثر پاسخگویان زیر یک میلیون بوده ولی؛ بیشتر آنها به وضعیت شغلی همسر یعنی شاغل یا بیکار بودن اشاره داشتند و ادعا می کردند اگر همسر آنها مسئولیت پذیرتر بود آنها با درآمد کم هم حاضر به ادامه زندگی بودند. پژوهش های مشابهی که در این زمینه انجام شده که؛ روایی تحقیق را تایید می کند. یافته های تحقیق پروین و همکاران، بررسی طلاق عاطفی و عوامل جامعه شناختی مؤثر در شهر تهران حاکی از این است که متغیرهای نظم درون خانواده، ساختار قدرت خانواده و سرمایه اجتماعی درون خانواده بیشترین رابطه معنادار با میزان طلاق عاطفی دارند که؛ می تواند زمینه ساز طلاق عاطفی باشد. پژوهش باستانی و گلزاری و همکاران با عنوان طلاق عاطفی و شرایط میانجی، ابعاد روانی، اجتماعی و فرهنگی چون پژوهش حاضر، در روابط بین زوجین دخیل بوده ضمن اینکه؛ عدم تامین نیازهای عاطفی هم نقش عمده ای در بروز طلاق عاطفی داشته است. پژوهش ابراهیمی و همکاران نیز به عواملی همچون میزان دینداری، همسان همسری، برآورده نشدن انتظارات، تفاوت عقاید و وضعیت اجتماعی و اقتصادی اشاره شده است. در این پژوهش متغیرهای دینداری و همسان همسری رابطه مستقیم و معکوس داشتند و متغیرهای برآورده نشدن انتظارات و تفاوت عقاید، رابطه مستقیم با متغیر طلاق عاطفی را داشتند. بنابراین نتایج پژوهش های انجام شده و پژوهش حاضر، حاکی از این است که؛ طلاق عاطفی تنها یک آسیب

اجتماعی نیست بلکه واقعیت اجتماعی است که؛ عوامل متعددی زمینه شکل‌گیری آن را در خانواده‌ها فراهم می‌کند. از جمله فاکتورهایی که؛ پژوهش‌های فوق و حاضر به آن اشاره کرده‌اند: عشق بین زوجین؛ دینداری زوجین، میزان رضایت مندی زوجین و ساختار قدرت و سرمایه اجتماعی (اعتماد زوجین و مشارکت زوجین) و سلامت جسمی و روانی زوجین بوده است. موانع و تنگناهای تحقیق می‌توان به: ۱- عدم همکاری کامل بین مراکز مشاور خانواده با پژوهشگر در زمینه آمار و اطلاعات دقیق و در اختیار گذاشتن پاسخگویان ۲- وجود نقص و کاستی در سیمای محلی استان کرمان (رسانه‌های داخلی) در خصوص انجام بحث‌های کارشناسی به میزان کافی در زمینه موضوعات حساس روز مانند مبحث طلاق عاطفی، روابط زوجین بایکدیگر به خصوص نسل جوان و آگاه‌سازی در این زمینه. ۳- کمبود آمار، داده‌ها و اطلاعات مستند و دقیق در نهادهای آماری، انفورماتیک مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بهزیستی استان کرمان در زمینه سوژه مورد بررسی (گرایش زوجین به طلاق عاطفی) و عدم همکاری کافی ارگانهای دولتی با پژوهشگر. ۴- عدم پاسخگویی مراجعه‌کنندگان به سوالات پژوهش. راهکارهای کاربردی و راهبردی با توجه به نتایج پژوهش: ۱- با توجه به اینکه نحوه رابطه زوجین و کیفیت زندگی زناشویی نقش بسیاری در پایداری خانواده دارد لذا نهادهای فرهنگی به ویژه نقش مهد کودک‌ها، پیش‌دستانی‌ها و مدارس قابل‌تامل است. از آنجا که شخصیت اصلی کودک در شش سال اولیه شکل می‌گیرد بنابراین مهدکوک‌ها و پیش‌دستانی‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این دوران کودک باید مهارت‌های زندگی را آموزش ببیند از جمله، چگونگی بروز احساسات و حل مسایل مختلف و برخورد صحیح با آنها و از همه مهمتر حضور در جمع، روحیه مشارکت را در آنها تقویت می‌کند که؛ همه این‌ها او را برای یک زندگی درست در آینده آماده خواهد کرد. و مرحله بعد مدارس می‌باشند که باید پنهان‌کاری‌های مسایل جنسی را کنار گذاشته و واحد درسی را به آن اختصاص دهند. ۲- از آنجایی که، وضعیت شغلی نقش بسیاری در ارتباط زناشویی ایفا می‌کند لذا باید تمهیداتی در این باب اندیشیده شود. زمانی که فرد مجبور است به خاطر مسایل مالی دو شیفت کار کند دچار فرسودگی شغلی می‌شود و این در کیفیت روابط زناشویی تاثیر خواهد گذاشت یا فردی که بیکار است یا کارگر روزمزد است و یا شب کار است همه این‌ها بر زندگی زناشویی تاثیر می‌گذارد بنابراین در ابتدا این نوع مشاغل و افرادشناسایی شوند چنانچه از لحاظ مالی در مضیغه هستند اسباب رفاه و آسایش آنها را فراهم آورده شود. ۳- از آنجایی که؛ زوجین هنگام طلاق تصمیم به مشاوره می‌گیرند لذا اجباری کردن مراجعه به مشاورین خانواده قبل از ازدواج در جهت اینکه آیا فرد مورد نظر از لحاظ فرهنگی و شخصیتی و عقیدتی با آنها سازگار است، شاید بتواند میزان طلاق عاطفی و طلاق را در خانواده را کاهش دهد. ۵- براساس نتایج تحقیق، میزان تعهد و مشارکت زوجین، یکی از متغیرهای تأثیرگذار در کاهش طلاق عاطفی در خانواده‌های کرمانی است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که نهادهای ذی‌ربط مانند صداوسیما و سایر سازمانها در برنامه‌های خود بیشتر به نقش اهمیت تعهد و مشارکت در قوام و دوام ساختار خانواده توجه نشان دهند.

تنها راهکار راهبردی که پژوهشگر می‌تواند ارائه دهد، با توجه به نتایج تحقیق و اینکه وضعیت اجتماعی و فرهنگی می‌تواند تاثیر بسیاری در روابط زوجین بگذارد و از آنجایی که نتایج این پژوهش بیشتر بر پایه پرسشنامه و اظهارات آنها بوده لذا، پیشنهاد می‌شود که؛ یک کارگروه تخصصی از متخصصین روانشناس و جامعه‌شناس و سایر رشته‌های دیگر در جهت بررسی کیفی و عمیق خانواده‌ها از طریق مصاحبه و گفتگو در تعامل مستقیم با خانواده‌ها باشند، ایجاد شود و این زمانی در جامعه میسر

می‌باشد که؛ سطح دانش و آگاهی افراد جامعه روزافزون شده و اعتماد همگان را در این راستا جلب نموده باشیم.

منابع

- ابراهیمی، سمیه، بنی فاطمه، حسین (۱۳۹۱)، طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده، مطالعات جامعه شناسی، دوره ۵، شماره ۱۷، زمستان، ص ۷-۲۲.
- ادواردز، جک ئی، تامس، ماری دی و همکاران (۱۳۷۹)، تحقیق پیمایشی: ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- باستانی، سوسن، گلزاری، محمود و همکاران (۱۳۹۰)، پیامدهای طلاق عاطفی و استراژی های مواجهه با آن، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان، ص ۲۴۱-۲۵۷.
- باستانی، سوسن، گلزاری، محمود و همکاران (۱۳۸۹)، علل و شرایط میانجی، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال اول، شماره سوم، پاییز، ص ۱-۲۰.
- بی، ارل (۱۳۹۰)، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: رضا فاضل، تهران، جلد اول، زمستان.
- پور حسین، رضا، بیدست، فهیمه (۱۳۹۳)، برآورد درستی آزمایشی آزمون طلاق عاطفی، رویش روانشناسی، شماره ۸، پاییز، ص ۲۷-۳۸.
- پروین، ستار، داودی، مریم و همکاران (۱۳۹۱)، عوامل جامعه شناختی موثر در طلاق عاطفی در بین خانواده های تهرانی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال چهاردهم، شماره ۵۶، تابستان، ص ۱۱۹-۱۵۳.
- روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷)، خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه، ترجمه: محمد صادق مهدوی، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاهی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، چاپ سوم، تهران: سروش.
- فتحی، رویا، باقری نیا، حسن (۱۳۹۳)، طلاق عاطفی، همایش منطقه ای آسیب شناسی پدیده طلاق، سقز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز، ص ۱-۶.
- کریمی، یزدان، مداحی، جواد و همکاران (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر طلاق عاطفی در شهرداری، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ص ۱-۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.

لعل زاده، انسیه، اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد وهمکاران (۱۳۹۴)، بررسی نقش طرحواره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی طلاق عاطفی، مجله روانشناسی بالینی، سال هفتم، شماره ۲ (پیاپی ۲۶)، تابستان.

یزدانی، عباس، حقیقتیان، منصور و همکاران (۱۳۹۲)، تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی: مطالعه موردی شهر کرد، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوم، شماره ششم، بهار، ص ۱۵۹-۱۸۵.

Kohlerriessman Catherine (1989), Journal of Sociology, Science, Medicine, Vol 29, no 6, pp 743-751.-

Salts, Connie J (1979), Journal of Divorce, VOL 2:3, PP 233-240, spring. (To link to this article http://dx.doi.org/10.1300/J279v02n03_01) .

Yip, Paul S.F., Yousuf ,Saman and collegus (2015), The roles of culture and gender in the relationship between divorce and suicide risk: A meta-analysis, Social Science & Medicine, 128, pp 87-94.

Abstract

The current study has done an investigation in Kerman city about emotional divorce and sociological factors affecting it .The methodology used is field study, .i.e. the researcher attends at study field practically, and starts collecting data. and the technique used is survey by using main tools, questionnaire designed by the researcher, and complementary tool of interview has been used to interview the experts and confirm questionnaire validity as well. In fact, statistical society in its social case includes the couples exposed to emotional and mental disorders, hence have visited consultants and consulting institutions so as to divorce. And Hence 200 questionnaires were given to the couples. It was tried to use random cluster method in several steps in the way that , Kerman city was chosen as the main cluster, and then in every region, every sub cluster, a consulting center was chosen, and the questionnaires were distributed among them. The theoretical framework of this study has been a combination of Parsons functionalism theory, Chelebi wisdom order theory, and Stenberg love theory. The theoretical hypothesis is that the external and internal factors have affected family emotional stability and connection which led to emotional divorce. The study findings show that the variables of job status the discipline in family i.e. (power distribution and social capital), couple's religious beliefs, the type of couple's relationships (i.e. couple's love affair, their commitments, and intimacy) have the most meaningful relation with the rate of emotional divorce.

Key Words: emotional divorce, functionalism, discipline within family, the quality of couple's relationship, The couples religious tendency